

مبشر بی علاقه

(اقتباس از راهنمای مطالعه کتاب یونس)

۱.....	مقدمه
۲.....	فصل اول: معرفی کتاب یونس
۶.....	فصل دوم: یونس در کشتی
۹.....	فصل سوم: یونس در شکم ماهی
۱۱.....	فصل چهارم: یونس در شهر نینوا
۱۴.....	فصل پنجم: یونس در زیر سایه گیاه

تا کسانی که خود را مسیحی می خوانند، بار دیگر به نحو روشن تری دعوت به بشارت را بشنوند تا اینکه آنها و همچنین کسانی که به آنها بشارت می دهند، به وسیله حقیقت انجیل، به مکانی پاکتر و نوری روشن تر در حیات فراوانی برسند که خدا برای تمام کسانی که محبت او را می پذیرند فراهم فرموده است.

مقدمه

موقعی که کتاب مقدس را مطالعه می کنیم حداقل به سه سؤال مهم برخورد می کنیم که باید در حین مطالعه خود جواب هایی برای آنها پیدا کنیم. سؤال اول این است که کتاب مقدس چه می گوید؟ کتاب مقدس را هر چه بیشتر بخوانیم و بیشتر روی آن تفکر کنیم هر بار مطلب آن باعث تعجب ما خواهد شد. خیلی چیزها در آن می یابیم که قبلاً متوجه آن نشده بودیم و برعکس بعضی از چیزهایی را که قبلاً فکر می کردیم در کتاب مقدس وجود دارد در آن پیدا نمی کنیم. خدا از خلال کلمات و عبارت فرصت می کند که با ما مستقیماً و آشکارا سخن بگوید. سؤال دوم که با آن مواجه می شویم این است که معنی کتاب مقدس چیست؟ برای جواب به این سؤال کتاب هایی درباره کتاب مقدس از قبیل تفسیر کتاب مقدس، فرهنگ کتاب مقدس و امثال آن مفید و ضروری هستند. این قبیل کتب در صورتی که اشخاص کاملاً وارد به کتاب مقدس و مسیحیت آن را نوشته باشند می توانند به نحو شایسته ای عبارات و یا فصل های مشکل کتاب مقدس را برای ما قابل فهم نمایند و به ما کمک کنند تا کتاب های مختلف را بهتر درک کنیم و منظور آنها را بفهمیم.

مطالعه دسته جمعی کتاب مقدس و تبادل نظر همگانی راهی دیگر برای یافتن جواب سؤال فوق می باشد. به این ترتیب که در مطالعه و شور همگانی امکان دارد که نظریه هر فرد نکته ای را روشن کند و دیگران را برای درک مطلب راهنمایی نماید. سؤال سوم که مانند دو سؤال قبل مهم می باشد این است که کتاب مقدس به من چه می گوید؟ پیغمبی را که خداوند می خواهد از لا به لای این آیات به من برساند چیست؟ چگونه می توانم این مطالب را برای خود و در زندگی خود به کار بندم؟ ما امیدواریم که در نتیجه عبادت های شخصی و دسته جمعی به این سؤال جواب دهیم برای اینکه اگر به این سؤال جواب داده نشود مطالعه کتاب مقدس ما ناقص و بی ثمر خواهد بود. دانستن و خواندن کتاب یونس به عنوان یک اثر ادبی کافی نیست. امید است که پیغام کتاب یونس جزئی از زندگی ما گردد و به خاطر آوریم که خداوند ما را برای خدمت دعوت می کند و ما را تشویق و ترغیب می نماید تا آنچه را می خوانیم عمل کنیم. امید است روزی ما نیز چون آن پسر چینی شویم که به معلم سابق خود نوشت: «خوشحال خواهید شد که بدانید که من اکنون کتاب مقدس را می خوانم و به آن عمل می کنم.» همانطوری که یعقوب رسول می فرماید: «لیکن کنندگان کلام باشید و نه فقط شنوندگان» (یعقوب ۱: ۲۲).

کتاب یونس بزرگترین کتاب از کتب انبیای جز می باشد که فقط شامل چهار فصل بسیار مختصر می باشد و در عهد عتیق به زبان انگلیسی فقط در دو صفحه جا دارد. داستان کوتاه و جالب و مختصری است که با روشی ساده نوشته شده است به طوری که آن را می توان به سرعت و بدون تعمق خواند. کتاب یونس پنجمین کتاب از دوازده کتاب انبیای جز در عهد عتیق می باشد، ولی اگر کسی این دوازده کتاب را مختصراً مطالعه کند به آسانی متوجه می گردد که مطالب کتاب یونس با یازده کتاب دیگر تفاوت کلی دارد. مطالب این یازده کتاب حاوی پیغام انبیاست، ولی برای درک مقصود کتاب یونس لازم است آن را از روی تعمق و دقت مطالعه نماییم و اگر دقت کافی در مطالعه آن مبذول نداریم و بی توجه و با عجله آن را بخوانیم از بسیاری از مطالب بدون توجه خواهیم گذشت. یگانه پیغامی که از یونس باقی است عبارت است از فصل ۳ آیه ۴. این کتاب پیغام نوشته شده یک پیغمبر نیست، بلکه شرح حال یک پیغمبر می باشد. نه تنها کتاب یونس با سایر کتب فرق دارد، بلکه خود یونس نیز با سایر انبیا فرق داشت. برخلاف آن یازده پیغمبر جز که همگی اشخاصی مطیع نسبت به خدا و وفادار بودند، یونس پیغمبری یاغی و سرکش بود. این صفات او سبب شده است که کتاب یونس با سایر کتب انبیای جز تفاوت شایانی داشته باشد.

کتاب یونس از حیث ادبی چه نوع کتابی است؟

برای فهم صحیح کتابی که خواننده آن را مطالعه می کند باید او با نوع کتاب آشنایی داشته باشد. اگر کتابی به صورت داستان اخلاقی و یا داستانی به صورت مثل باشد، ولی ما آن را مانند یک کتاب تاریخی مطالعه نماییم و یا بالعکس کتاب تاریخی را مانند یک داستان اخلاقی مطالعه کنیم از قرائت خود نتیجه غلط خواهیم گرفت و مهم تر از همه اینکه متوجه مقصود اصلی کتاب نخواهیم شد. سؤالی که اکنون با آن مواجه هستیم این است که آیا کتاب یونس تاریخ است و یا داستان اخلاقی است؟ آیا تمام جزئیات آن حقیقی است یا بایستی آن را داستانی به صورت مثل پنداشت؟ ابتدا می پردازیم به ذکر دلایل اشخاصی که سرگذشت یونس را یک واقعه تاریخی می پندارند. اولاً داستانی که در کتاب یونس نوشته شده متکی بر سرگذشت یکی از پیغمبران اسرائیل می باشد که وجود تاریخی داشته است. آری یونس وجود داشته و در حدود سال ۷۸۵ ق.م. در سرزمین شمالی اسرائیل به هنگام سلطنت ربعام دوم می زیسته است.

در کتاب دوم پادشاهان ۱۴: ۲۵ به طور مختصر از او ذکر شده و در آنجا مانند یونس ۱: ۱ او را یونس بن امتایی نبی خوانده اند. تنها چیزی که درباره یونس در می یابیم این است که او در حث حافر زندگی می کرد و ظاهراً پیشگویی نموده بود که ربعام دوم بر بت پرستان غلبه کرده و مرزهای اسرائیل را به سرحد اولیه خود خواهد رسانید. نکته جالب این است که همین یونس (که در دوم پادشاهان فصل ۱۴ و کتاب یونس به او اشاره شده است) تنها شخصیتی است که با این اسم در عهد عتیق وجود دارد. نکته جالب دیگر این است که معنی اسم یونس (کبوتر) می باشد و این نام به طرز جالبی با خدمتی که خدا به او سپرده بود تا پیغام الهی را به شهر نینوا برساند بستگی دارد. ثانیاً آنهایی که این کتاب را کتابی تاریخی می دانند به گفتار عیسی در عهد جدید استناد می نمایند (متی ۱۲: ۳۹-۴۱، لوقا ۱۱: ۲۹-۳۰ و ۳۲). عیسی به دو دلیل در این آیات به یونس اشاره می کند. اولاً به وسیله بیان ماندن یونس در شکم ماهی به مدت سه شبانه روز و رهایی او می خواهد موت و قیام خود را مجسم کند. ثانیاً می خواست پاسخ مردم نینوا به دعوت خداوند و توبه آنها را با عدم پاسخ و توبه آن عده از یهودیانی که در آن ایام عیسی برای آنها موعظه نمود مقایسه کند. این موضوع نشان می دهد که اگر مسیح به واقعیت تاریخی این وقایع ایمان نداشت هرگز به آن اشاره نمی کرد، ولی باید خاطر نشان ساخت که این دلایل کاملاً قطعی نیست.

گرچه بدون شک مؤلف این کتاب یونس نبی را از کتاب دوم پادشاهان می شناخت امکان دارد که وی یونس را از آن کتاب به این دلیل انتخاب نموده و به عنوان قهرمان داستان معرفی کرده و از او به عنوان وسیله ای برای رسانیدن پیغام خود استفاده کرده باشد که مردم از یونس اطلاع کمی داشتند. این راهی بود که به وسیله آن می توانست توجه خوانندگان را به خود جلب کند و در ضمن تناقضی با روش نویسندگان عبرانی نداشت کاملاً امکان دارد که داستان این کتاب از روایاتی به وجود آمده باشد که درباره دوم پادشاهان در مورد یونس وجود داشته و دهان به دهان نقل گردیده و یا از یک منبع ناشناس سرچشمه گرفته باشد. همچنین احتمال دارد که داستان یونس مخلوق تصور خلاق

نویسنده باشد که از خدا الهام یافته و حقیقت مهمی را اعلام نموده است. به علاوه هیچ چیز نمی‌توانست عیسی را از اشاره به وقایع کتاب یونس برای بیان حقیقتی که موعظه می‌فرمود بازدارد همانطوری که امروز هم هر واعظی می‌تواند برای روشن ساختن عقاید خود مثال‌هایی از نمایشنامه‌های شکسپیر یا سایر داستان‌های نویسندگان بزرگ ذکر نماید.

اکنون ببینیم دلایل کسانی که کتاب یونس را تمثیل اخلاقی می‌دانند چیست؟ مثل داستانی است کوتاه که یک حقیقت روحانی یا مذهبی را روشن می‌سازد. البته این تعریف صحیح است، ولی جیمز اسمارت یکی از مفسرین کتاب مقدس اضافه می‌کند که مثل عبارت است از وسیله‌ای که توسط آن مردم خود را محکوم اعلام می‌دارند. می‌دانیم که کتاب مقدس چه عهد عتیق و چه عهد جدید پر از امثال است. همانطور که مسیح بیشتر تعالیمش را با مثل بیان می‌داشت انبیا نیز چنین می‌کردند. یکی از مثل‌های مشهور عهد عتیق مثل پیرمرد فقیر و ماده بز کوچک می‌باشد که ناتان نبی آن را برای داود پادشاه بیان داشت (دوم سموئیل ۱۲: ۱-۷). امثال مشهور عهد جدید عبارتند از مثل سامری نیکو (لوقا ۱۰: ۳۷-۲۵) و مثل پسر گمشده (لوقا ۱۵: ۱۱-۳۲) با اینکه قهرمان اصلی داستان یونس خود وجودی تاریخی بود، ولی هیچ دلیل تاریخی در دست نیست که صحت وقایع این کتاب را ثابت کند حتی در این داستان مقداری تضادهای جزئی وجود دارد. مثلاً درباره وسعت شهر نینوا نوشته شده است: نینوا شهری بسیار بزرگ بود که مسافت سه روز داشت (یونس ۳: ۳). در این قسمت در وسعت شهر خیلی اغراق شده، چون مساحت حقیقی آن کمتر از سه میل مربع بوده است، همچنین بر طبق منابع تاریخی در تخمین جمعیت نینوا اغراق شده است (یونس ۴: ۱۱) به طور کلی چنین تبیینی در داستان‌هایی به صورت مثل یا امثال مذهبی مهم نیست، چون مقصود این است که خواننده یا شنونده را با حقایقی که عمیق‌تر از جزئیات داستان است مواجه سازد.

در اینگونه داستان‌ها نویسنده می‌تواند مقداری اغراق شاعرانه در نوشته خود بگنجاند. جرج آدم اسمیت کتاب یونس را موعظه‌ای متضمن پیشگویی در قالب مثل مذهبی یا داستانی به صورت مثل می‌داند. اگر این نظریه را درباره کتاب یونس بپذیریم بسیاری از اشارات و کنایات و امثال آن برای ما معنی و مفهوم تازه‌ای پیدا خواهند کرد. من باب مثل ماجرای ماهی را بیان می‌کنیم. این مطلب را به قدری بزرگ کرده‌ایم که اغلب فراموش می‌نماییم که فقط سه آیه از ۴۸ آیه کتاب از آن نام می‌برد. کنایه ماهی دو مقصود بزرگ در بر دارد. وقتی کنایه ماهی اهمیت زیادی خواهد یافت که به یاد داشته باشیم که طوفان عظیم دریا که بنام لویاتان خوانده شده (مزمور ۷۴: ۱۳-۱۴، اشعیا ۲۷: ۱) مظهر نیروی عظیم شیطانی است که در مقابل خدا مقاومت می‌کند در ارمیا ۵۱: ۳۴-۴۴ مفهوم بلعیده شدن و نجات یافتن تبعید و بازگشت قوم اسرائیل می‌باشد. گرچه ممکن است در تفسیر این کتاب از نقطه نظر ادبی آن را کتابی تاریخی و یا تمثیل اخلاقی بدانیم پیغام آن در هر صورت یکی است.

این پیغام از خلال آیاتش با صدای بلند و واضح ما را به انجام وظیفه می‌خواند این پیغام نه تنها منحصر به قوم یهود در آن روزگار بوده، بلکه امروزه نیز کلیسا را یادآوری می‌کند که چرا و برای چه منظوری خوانده شده است. بنابراین مسأله‌ای که مهم‌تر از سبک کتاب یونس می‌باشد این سؤال است:

- آیا شما مطالب آن را جدی تلقی می‌کنید؟
- آیا ایمان دارید که خداوند از لا به لای آیات آن با شما سخن می‌گوید؟
- اگر چنین است پیغام آن برای این زمان چیست؟
- چه کسی کتاب یونس را نوشت؟

واضح است که این کتاب را یونس نوشت، بلکه این کتاب سرگذشت وی می‌باشد، چون ضمیری که به جای نام یونس به کار برده شده سوم شخص مفرد است به طوری که قبلاً اشاره شد سخنان یونس با پیشگویی‌هایش فقط در فصل ۳ آیه ۴ نقل شده است که آن هم به تنها شمه مختصری از پیغام اوست. به علاوه در کتاب هم ذکر نشده که خود یونس نویسنده آن می‌باشد. تنها جوابی که استادان کتاب مقدس می‌توانند به این سؤال بدهند این است که نویسنده این کتاب کوچک و پر قدرت معلوم نیست. جکوب م. میرز درباره این نویسنده کتاب چنین می‌گوید: یهودی پرهیزکاری است که روح حقیقی مذهب اسرائیل را درک کرده بود. در چه تاریخی کتاب یونس نوشته شد؟ تاریخ دقیق تألیف این کتاب مانند بسیاری از کتاب‌های عهد عتیق نامعلوم است. آنچه معلوم است این است که این کتاب زودتر از سنه ۷۸۶ قبل از میلاد نوشته نشده است، چون یونس که قهرمان اصلی این داستان است چنانچه از

کتاب دوم پادشاهان استنباط می شود در زمان یربعام پادشاه که در قسمت شمالی سرزمین اسرائیل پادشاهی می کرد زندگی می نمود.

این پادشاه سلطنت خود را از سال ۷۸۶ قبل از میلاد شروع کرد. بسیاری از علمای کتاب مقدس معتقدند که کتاب یونس بین سال های ۴۰۰ و ۲۰۰ قبل از میلاد نوشته شده است بسیاری از کلمات و عبارات این کتاب از اصطلاحاتی است که در دوران جدید ادبیات زبان عبری دیده می شود و کمتر اشاراتی از ادبیات قدیم عبری در آن وجود دارد. همچنین عبارات ادبی آرامی در این کتاب به چشم می خورد که معلوم می دارد که در دوره های نزدیکتری نوشته شده است. دانشمندان معتقدند که موضوع این کتاب تحت تأثیر آثار اشعیا ثانی (اشعیا فصل ۴۰-۶۶) قرار گرفته و عقاید اشعیا نبی بر محبت جهانی خدا و علاقه خدا به تمام مخلوقات در آن نفوذ کرده است. این موضوع نشان می دهد که این کتاب محصول زمانی است که قوم یهود از اسارت بابل بازگشته اند. خلاصه می توان گفت این کتاب مابین سال های آخر بازگشت از بابل و قرن سوم قبل از میلاد نوشته شده است.

چرا این کتاب نوشته شد؟ در اینجا به کنه موضوع کتاب یونس می رسیم. زمانی که قوم یهود از اسارت و تبعید در بابل به سرزمین اصلی شان بازگشت نمودند خیلی سعی داشتند که مذهبشان پاک و خالص بماند و از آن به خوبی محافظت شود. به علاوه خشم و نفرتی شدید نسبت به دشمنان در بین آنها وجود داشت. آرزو می کردند که خداوند دشمنانشان را تنبیه کرده و نابودشان سازد. این حوادث نیروی ملیت پرستی و انزواطلبی آنها را تقویت نمود و نیروی خدمت کردن در راه خداوند را که قبلاً شاید کمی در آنها وجود داشت از بین برد و تمایل به اجرای هدفی که خداوند برای اشاعه حقیقت نجات به آنها محول کرده بود به کلی نابود شد. گاهی اشعیا ثانی یا اشخاصی مانند ارمیا با آواز بلند قوم یهود را به وظیفه و مقصودی که خداوند برای آنها در نظر گرفته بود آشنا می ساختند، ولی اغلب قوم اسرائیل گوش هایشان کر و دل هایشان سخت گشته بود. در چنین شرایطی بود که نویسنده کتاب یونس سخن گفت و هنوز هم سخن می گوید. او به هموطنانش اعلام می کند که باید یکی از دو راه را بر ضد دشمنانشان به کار برند یا باید به وسیله قدرت نظامی بر آنها پیروز شوند یا به وسیله اعلام حقیقت مسیحیت خداوندی آنها را به سوی توبه و نجات رهبری نمایند. کتاب یونس نوشته شد تا حسن بشارت را که از ابتدا خدا قوم یهود را برای آن خوانده بود در این قوم بیدار کند.

ماهیت حقیقی کتاب یونس

با وجود بحث های زیادی که در طول سال ها در مورد تاریخی بودن و تمثیلی بودن کتاب یونس شده است نباید فراموش کرد که کتاب یونس جزو کتب تاریخی است. اگر از ظاهر داستان بگذریم و به عمق آن برسیم خواهیم دید که نمونه کوچکی است از بی علاقه گی قوم اسرائیل به انجام مأموریت الهی. مثل یونس همه قوم اسرائیل از انجام وظیفه ای که خداوند به آنها محول کرده بود سرپیچی کردند همانطور که یونس در شکم ماهی ماند قوم اسرائیل نیز تبعید شد و در سرزمین های بیگانه زندگی کرد. همانند یونس زمانی فرا رسید که آنها توبه کردند و از زحمات خود نجات یافتند مثل یونس آنها نیز پس از نجات یافتن دوباره نسبت به دشمنانشان و نسبت به بت پرستان نظر غیرمساعد نشان دادند و نخواستند قبول کنند که محبت خدا شامل تمام بنی نوع بشر می باشد. کتاب یونس سرگذشت یک نبی را بیان می کند و با اینکه نبوت های نبی در آن ذکر نشده جزو کتب انبیاست در اینجا نبی حقیقی یونس نیست، بلکه نویسنده ناشناس است که این کتاب کوچک را نوشته است. در خلال داستان وی قوم اسرائیل را به خاطر ملیت پرستی بیش از اندازه و محدودیت مذهبی محکوم می نماید و آنها را دعوت می کند که در وضع خود تجدید نظر کنند و ببینند برای چه و به چه علت خدا آنها را انتخاب نموده است. ممکن است یونس نبی شخصیت واقعی تاریخی نداشته باشد، ولی پیغمبر ناشناس که او را در کتاب خود گنجانیده از بزرگترین پیغمبران است و جا دارد که او را از حیث عقاید روشن و برندگی کلام در ردیف اشعیا ثانی و ارمیا قرار دهیم.

طرق معرفی درس به گروه

۱- مدیر جلسه چند نفر را از بین شرکت کنندگان انتخاب می کند که این کتاب را خوانده فصول مختلف آن را مورد بررسی قرار دهند. قسمت های مورد بررسی عبارتند از نوع نوشته از نظر ادبی، مؤلف کتاب، تاریخ نوشته شدن کتاب، مقصود آن و نظایر این موضوعات. سپس درباره هر یک از این موضوعات در جلسه گزارش دهند.

۲- در مواقع لزوم فرصت بدهید که شرکت کنندگان قسمت‌هایی را از کتاب مقدس که مربوط به فصول این کتاب می‌باشد در جلسه بخوانند.

۳- اجازه بدهید که درمورد مسایل مربوطه سؤالاتی بکنند. این سؤالات بسیار مفید هستند.

۴- شرکت کنندگان را تشویق کنید تا این کتاب را برای خود قبل از شروع کلاس مطالعه کنند.

فصل دوم: یونس در کشتی

کتاب یونس همچون داستان جالبی شروع می‌شود، همانطور که در روی صحنه نمایش وقتی پرده کشیده می‌شود بازی کنان نمایش ظاهر می‌گردند و اولین کلمات گفته می‌شود و به دنبال آن بازی شروع می‌شود. همه اینها در سه آیه اول نمایان می‌شود. از همان ابتدا مجذوب رنگ و تحرک و تردید و دو دلی آن می‌شویم. در حقیقت کتاب را می‌توان مانند نمایشنامه‌ای به چهار پرده تقسیم نمود. پرده اول عبارت است از یونس در کشتی که ما کمی درباره آن مطالعه می‌کنیم.

چند راهنمایی برای مطالعه

۱- برای اینکه صحنه اول این نمایشنامه به خوبی در نظرتان مجسم گردد بایستی فصل اول کتاب یونس را به دقت مطالعه نمایید. از مطالعه این قسمت آیا چیز تازه‌ای کشف کرده‌اید که تاکنون متوجه آن نشده بودید؟ آن را یادداشت کنید و این کشف خود را با دیگران در میان گذارید و درباره آن با یکدیگر بحث کنید.

۲- یک بار دیگر فصل اول را مطالعه کنید تا جواب سؤالات زیر را پیدا کنید.

۳- کشفیات خود را با دیگران در میان گذارید. سؤالات خود را مطرح کرده چنانچه نظریه‌ای دارید برای کمک به دیگران پیشنهاد کنید.

۴- طوری ترتیب بدهید که مطالعات شخصی و دسته‌جمعی شما به بحث و تبادل نظر درباره مشکلات بینجامد و سعی کنید این سؤال را جواب بدهید: این قسمت برای من چه پیغامی دارد؟

دعوت یونس

(یونس ۱: ۱) کلام خداوند نازل شد فرمولی معمولی برای مقدمه کتاب است. نشان می‌دهد که وحی خداوند به پیامبر و یا نبی او رسیده است. وحی خداوند که بر یونس نازل شد فقط این بود که به شهر نینوا برود و علیه گناهان آن موعظه کند. این موضوع را از ۳: ۴ نیز می‌فهمیم تنها اطلاع درباره خود یونس این است که شاید همان یونسی باشد که در زمان یربعام دوم نبوت می‌کرد و پسر امتای نبی و از اهالی حت حافر جلیل بود (دوم پادشاهان ۱۴: ۲۵) این پیشگویی را نمود (دوم پادشاهان ۲۵: ۱۴) نینوا شهر بزرگ (آیه ۲) پایتخت کشور آشور بود که در کنار رود دجله قرار داشت. این شهر در سنه ۶۱۲ قبل از میلاد به دست مادی‌ها و بابلی‌ها ویران شد.

کتاب یونس فصل اول

۱- کلام خداوند بر یونس بن امتال نازل شده گفت:

۲- برخیز و به نینوا شهر بزرگ برو و بر آن ندا کن، زیرا که شرارت ایشان به حضور من برآمده است.

۳- اما یونس برخاست تا از حضور خداوند به ترشیش فرار کند و به یافا فرود آمده کشتی یافت که عازم ترشیش بود پس کرایه‌اش را داده سوار شد تا همراه ایشان از حضور خداوند به ترشیش برود.

نویسنده با چه عبارت مأنوسی داستان را آغاز می‌کند؟ (به یوشع نبی ۱: ۱، یوئیل نبی ۱: ۱، میکای نبی ۱: ۱، صفیا نبی ۱: ۱، حجی نبی ۱: ۱، زکریای نبی ۱: ۱ رجوع شود). این عبارت چه ربطی به یونس دارد؟ ارتباط آن با پیغام او چیست؟ یونس کی بود؟ (دوم پادشاهان ۱۴: ۲۳-۲۵) در چه تاریخی و در کجا زندگی می‌کرد؟ کار او چه بود؟ کدام دو صفتی را می‌توان برای تعریف نینوا به کار برد؟ (نینوا پایتخت قدیم کشور آشور بود که در کنار رود دجله قرار داشت و در سال ۶۱۲ قبل از میلاد توسط مادیان ویران شد و چنانچه توجه نمایید خواهید دید که در ۳: ۳ فعل ماضی برای این شهر به کار برده شده است. اسرائیلی‌ها از این شهر با نفرت یاد می‌کردند و آن را مظهر نفرتی می‌دانستند که در قلب خود نسبت به دشمن خود یعنی آشوری‌ها حس می‌کردند). در آیه ۳ یونس چه عقیده بچه گانه‌ای درباره خدا اظهار می‌دارد؟ (گفته می‌شود که ترشیش شهری در جنوب اسپانیا بوده است که احتمال دارد مستعمره فنیقی‌ها

بوده باشد و با صور روابط تجارتی داشت. اگر این ترشیش همان شهر باشد فاصله ما بین آشور و فلسطین زیاد بود و می‌بایستی با کشتی به آنجا رفت) به دلایلی که فعلا در اینجا ذکر نمی‌شود یونس تصمیم گرفت که از حضور خداوند فرار کند.

او هنوز قدرت جهانی خداوند را درک نکرده بود. او نمی‌دانست که هیچ کس نمی‌تواند از حضور خداوند فرار کند. از نافرمانی و کوشش یونس برای فرار از حضور خداوند درباره احساسات درونی و طرز فکرش چه می‌فهمیم؟ از عملی که انجام داد می‌فهمیم که یونس خیال می‌کرد خداوند قدرتش محدود به سرزمین معینی است. به همین دلیل بود که یونس می‌خواست با فرار از سرزمین خداوند از کار او نیز راحت شود. در این سه آیه اول چه خصوصیات درباره یونس پیدا می‌کنیم. بر طبق عقیده نویسنده این کتاب چه کسی مسؤول زیاد شدن این زحمت بود؟ در اینجا فرصت بدهید مزمور ۱۳۹: ۷-۱۲ خوانده شود.

۴- و خداوند باد شدیدی بر دریا وزانید که تلاطم عظیمی در دریا پدید آمد چنانکه نزدیک بود که کشتی شکسته شود.

۵- و ملاحان ترسان شده هر کدام نزد خداوند خود استغاثه نمودند و اسباب را که داخل کشتی بود به دریا ریختند تا آن را برای خود سبک سازند، اما یونس در اندرون کشتی فرو شده دراز شد و خواب سنگینی او را در ربود.

۶- ناخدای کشتی نزد او آمده وی را گفت ای که خفته‌ای تو را چه شده است برخیز و خدای خود را بخوان شاید که خدا ما را به خاطر آورد تا هلاک نشویم.

۷- و به یکدیگر گفتند بیایید قرعه بیندازیم تا بدانیم که این بلا به سبب چه کس بر ما وارد شده است، چون قرعه انداختند قرعه بنام یونس درآمد.

۸- پس او را گفتند ما را اطلاع ده که این بلا به سبب چه کس بر ما عارض شده شغل تو چیست و از کجا آمده‌ای و وطنت کدام است و از چه قوم هستی؟

۹- او ایشان را جواب داد که من عبرانی هستم و از یهوه خدای آسمان که دریا و خشکی را آفریده است ترسان می‌باشم.

۱۰- پس آن مردمان سخت ترسان شدند و او را گفتند چه کرده‌ای، زیرا ایشان می‌دانستند که از حضور خداوند فرار کرده است، چونکه ایشان را اطلاع داده بود.

۱۱- و او را گفتند ما چه کنیم تا دریا برای ما ساکن شود، زیرا دریا در تلاطم همی افزود.

۱۲- او به ایشان گفت مرا برداشته به دریا بیندازید و دریا برای شما ساکن خواهد شد، زیرا می‌دانم که این تلاطم عظیم به سبب من بر شما وارد آمده است.

۱۳- اما آن مردمان سعی نمودند تا کشتی را به خشکی برسانند، اما نتوانستند، زیرا که دریا به ضد ایشان زیاده و زیاده متلاطم می‌نمود.

۱۴- پس نزد یهوه دعا کرده گفتند آه ای خداوند هر چه می‌خواهی می‌کنی.

۱۵- پس یونس را برداشته در دریا انداختند و دریا از تلاطمش آرام شد.

۱۶- و آن مردمان از خداوند سخت ترسان شدند و برای خداوند قربانی‌ها گذرانیدند و نذرها نمودند.

۱۷- و اما خداوند ماهی بزرگی پیدا کرد که یونس را فرو برد و یونس سه روز و سه شب در شکم ماهی ماند.

- عکس‌العمل یونس را در مقابل طوفان با عکس‌العمل ملاحان بت‌پرست در مقابل آن مقایسه کنید.
- آیا شما آن را مربوط به ایمان یونس می‌دانید یا اینکه او در مقابل این حادثه بی‌تفاوت بود و یا اینکه اشتباهات خود را در امن و امان احساس می‌کرد؟
- چطور خداوند برای پیشرفت مقصودش یک عمل خرافی را در اینجا به کار می‌برد؟
- به کدام سؤال ملاحان یونس مستقیماً پاسخ می‌دهد؟
- در اسرائیل مرسوم بود که برای تشخیص گناهکار به قرعه متوسل می‌شدند. یونس با زرنگی از دادن جواب به کدام سؤال ملاحان خودداری می‌کند؟
- آیا تصور می‌کنید که این موضوع اهمیت دارد؟
- از تمام این وقایع به چه حقیقتی درباره عقاید مذهبی بت‌پرستان پی می‌بریم؟
- چگونه تصویر یونس در این آیات برای ما بزرگ می‌شود؟

- به چه چیز تازه‌ای از شخصیت یونس پی می‌بریم. از اینکه یونس از یک طرف مایل است برای نجات ملاحان بت‌پرست جان خود را فدا کند و از طرف دیگر مایل نیست مردم نینوا را به توبه دعوت کند چه عدم ثباتی در اخلاق او مشاهده می‌کنید؟
- آیا ما هم، چنین گناہانی انجام می‌دهیم؟ این گناہان را از حیث چگونگی و زمان کاملاً به یاد بیاورید.
- در این آیات چه شواهدی از انسانیت ملوانان دیده می‌شود؟ آن را با عدم علاقه یونس نسبت به مردم نینوا مقایسه کنید.
- علی‌رغم بی‌علاقگی یونس نسبت به اجرای اراده خدا چه عکس‌العمل نیکویی در اینجا در ملوانان دیده می‌شود؟
- این موضوع درباره منظور و اراده خدا در مورد اطاعت و نافرمانی بشر چه می‌گوید؟

یونس بر گناه خود واقف بود و می‌دانست که هیچ چیز جز خارج شدن او از کشتی دریای خشمگین را آرام نخواهد ساخت. ملاحان از او طلب چاره کردند. یونس به ایشان جواب داد که برای نجات یافتن باید وی را به دریا انداخته قربانی دریا سازند. در اینجا وجدان نبی از روی حق و عدالت گناهش را درک می‌کند و عدالت درونی‌اش می‌خواهد گناه را اصلاح کند. ملاحان ابتدا مایل نبودند چنین شدت عملی به کار ببرند. به همین دلیل با تمام قوا کوشیدند تا کشتی را به خشکی برسانند، ولی نتوانستند (آیه ۱۳).

قبل از اینکه نصیحت یونس را قبول کنند و او را از کشتی بیرون بپندازند ملوانان به خدای یونس دعا کردند تا آنها را نجات دهد (تا به خاطر جان این شخص هلاک نشوند آیه ۱۴). طوفان نشانه ناخشنودی خدا از عمل یونس بود. پس بنابراین اراده خدا می‌بایستی انجام بشود. ملاحان بت‌پرست وسیله شدند تا اراده خدا انجام یابد و پیغام خدا به سایر مردم بت‌پرست نینوا برسد. این عمل ساده یعنی انداختن یونس به دریا نتیجه مثبت داد، زیرا دریا از تلاطمش آرام شد (آیه ۱۵) و آن مردمان سخت از خداوند ترسان شدند. (آیه ۱۶) این قسمت را باید درس مهمی از این کتاب دانست. این اشخاص در اثر فیض و بخشش نجات بخش خدا ایمان آوردند. آنها در وضعی قرار داشتند که نزدیک بود فاجعه‌ای رخ دهد، ولی خداوند آنها را خلاصی می‌بخشید و برای تشکر از این رحمت الهی بود که آنها مشغول عبادت او شدند. در آیه ۱۷ معنی (پیدا کرد) چیست؟ این آیه درباره خدا چگونه مقاصد خود را به انجام می‌رساند و رفتارش با بشر چگونه است چه چیزهای دیگری به ما می‌آموزد.

خلاصه مطالب و بحث بیشتری درباره آن

۱- فهرستی از کلیه خصوصیات یونس که در این فصل آشکار است تهیه کنید. آیا همه آن صفات بدی هستند و یا صفت خوبی نیز در او یافت می‌شود؟ (اگر دو لیست برای مقایسه این صفات درست کنید شاید برای شما واضح‌تر شود.) می‌توان در این تمرین از گچ و تخته و یا کاغذ بزرگ استفاده کرد در این فصل درباره یونس به عنوان یک شخص چه یاد گرفته‌اید؟ آیا هرگز کسی را که شبیه یونس باشد دیده‌اید؟

۲- در این فصل درباره طرز رفتار خداوند با آنهايي که می‌خواهند از فرمان او سرپیچی کنند چه مطلبی یاد گرفته‌اید؟

خدا برای اجرای مقاصد خود چه راه‌هایی در پیش می‌گیرید؟

۳- ما امروز از چه راه‌هایی سعی می‌کنیم از انجام اراده خدا سرپیچی نماییم؟ چطور امروزه یک عده از غیرمسیحیان در دنیا و اجتماع، مانند ملاحان بت پرست علاقه بیشتری به انسانیت دارند تا ما مسیحیان و اعضای کلیسا. آیا ممکن است بعضی از همین غیرمسیحیان راهنمایی روح خدا را از ما بیشتر درک کنند؟

فصل دوم با دعای یونس از شکم ماهی آغاز می‌شود (آیه ۱) و با فرمان خدا به ماهی پایان می‌یابد: پس خداوند ماهی را امر فرمود و یونس را بر خشکی قی کرد (آیه ۱۰). در این فصل دعای یونس به طور کامل ذکر نگردید، ولی از متن آن می‌توان فهمید که یونس به خدا التماس نمود که وی را نجات دهد. به گناه خود اعتراف نمود و توبه کرد و حاضر شد امر خدا را همانطور که در ابتدا به آن مأمور شده بود انجام دهد و بخشش و فرصت جدید همانطور که به توبه‌کنندگان نینوای بخشیده شده به یونس نیز عطا گردید. خدا می‌خواهد اراده او اطاعت شود، ولی همیشه حاضر است آنانی را که از روی خلوص نیت از گناهان خود پشیمانند و توبه می‌کنند و راضی به انجام امور او می‌باشند ببخشد. مزمور شکرگزاری (۲: ۲-۹) ممکن است چنین به نظر آید که این آیات ادامه دعای آیه اول باشد که یونس آن را موقعی که در شکم ماهی بود خواند، ولی اگر به دقت مطالعه کنیم خواهیم دید که این مزمور شکرگزاری به پس از رهایی از شکم ماهی مربوط می‌شود. جالب اینجاست که بیشتر لغات و ایده‌های این منظومه شباهت زیادی به مزامیر دارند. در حین مطالعه دقیق این منظومه چند تا از این مزامیر را بررسی خواهیم کرد. این امر نشان می‌دهد که نویسنده در ضمن شرح حال یونس و عکس‌العمل او در مقابل ماهی ممکن است آیاتی از مزامیر به خاطر آورده و از عبارات و ایده آنها در شرح داستان استفاده کرده باشد.

چند پیشنهاد برای مطالعه

- ۱- آیات این فصل را که جنبه تشریحی دارد مطالعه کنید (آیه ۱ و ۱۰) تا موضوع برایتان روشن‌تر شود.
- ۲- یکی از شرکت‌کنندگان را انتخاب کنید که شعر را از آیه ۲-۹ با صدای بلند قرائت کند و در بعضی جاهای مناسب توقف کرده آیه‌هایی از کتاب مزامیر را که مربوط به این داستان می‌باشد قرائت کند.
- ۳- درباره سؤالاتی که ذیلاً نوشته شده صحبت کنید و تجربیات و اطلاعات کسب شده از آن را با یکدیگر در میان گذارید.

کتاب یونس فصل دوم

- ۱- یونس از شکم ماهی نزد یهوه خدای خود دعا نمود.
- ۲- و گفت در تنگی خود خداوند را خواندم و مرا مستجاب فرمود. از شکم هاویه تفریح نمودم و آواز مرا شنیدی
- ۳- زیرا که مرا به ژرفی در دل دریا انداختی و سیل‌ها مرا احاطه نمود. جمیع خیزاب‌ها و موج‌های تو بر من گذشت.
- ۴- و من گفتم از پیش خشم تو انداخته شدم، لیکن هیکل قدس تو را باز خواهم دید.
- ۵- آب‌ها مرا به جان احاطه نمود و لجه دور مرا گرفت و علف دریا به سر من پیچیده شد.
- ۶- به بنیان کوه‌ها فرو رفتم و زمین بنیه‌های خود تا مرا درگرفت، اما تو ای خدایم حیات مرا از فقره برآوردی
- ۷- چون جان من در اندرونم بی‌تاب شد خداوند را به یاد آوردم و دعای من نزد تو به هیکل قدس رسید.
- ۸- آنانی که اباطیل دروغ را منظور می‌دارند احسان‌های خویش را ترک می‌نمایند.
- ۹- اما من به آواز تشکر برای تو قربانی خواهم گذرانید و به آنچه نذر کردم وفا خواهم نمود. نجات از آن خداوند است.
- ۱۰- پس خداوند ماهی را امر فرمود و یونس را بر خشکی قی کرد.

(به مزمور ۱۲۰: ۱، ۱۸: ۶، ۴۲: ۷ رجوع شود). (هاویه یعنی محل مردگان، قبر، برزخ). آیه چهار زمانی را نشان می‌دهد که وی به خود آمده (لوقا ۱۷: ۱۵) را مطالعه فرمایید و می‌فهمید که از هیکل خداوند و حضور وی رانده شده است. سپس معنی تنها ماندن را می‌فهمید و درمی‌یابد که حماقت‌های وی سبب شدند که در دریای بیگانه و دور از خدا و برکاتش نابود گردد. به همان تجربه و حالت نویسنده مزمور ۴۲ در دوران تبعید به خاطر اشتیاق به درک حضور خداوند و مشارکت خدمت در هیکل قدسش آرزومند دچار شده بود. (به مزمور ۶۹: ۲، ۱۸: ۱۶، ۳۰: ۳، ۱۸: ۶ رجوع شود). در موقعی که نزدیک بود هلاک گردد نویسنده این شعر خداوند را به یاد آورد و به دعا متوسل شد (آیه ۷) و دعای وی به حضور خداوند به هیکل قدس او در محل سکونت او در روی زمین رسید. جواب این دعا قید نشده است، ولی متن این سرود شکرگزاری نشان می‌دهد که مورد قبول خداوند بوده است تجربه نویسنده احسان و وفاداری

خدا را حتی در سخت ترین شرایط نشان می دهد (آیه ۸). برای دیگران که بر اباطیل دروغ متوسل می شوند سودی نمی بینند. ممکن است چیز دیگری نیز در این تجربه آموخته باشد، ولی برای وی مسلم بود که تنها خدا دعایش را شنیده و قدرت نجات بخشیدن دارد.

نجات بزرگی که نویسنده کسب نموده بود الهام بخش وی برای گذراندن قربانی در تمام زندگی جهت ادای شکرگزاری به خداوند بود (آیه ۹). شکرگزاری نشانه دریافت هدیه گران قیمت می باشد. او چنین تحفه ای دریافت کرده بود و بنابر این نذر خود را جهت شکرگزاری مانند دیگران که دارای چنین تجارتی بودند به خداوند ادا کرد. چه موقعی یونس به سوی خدایی که در ابتدا از او فراری بود بازگشت و با او رابطه پیدا کرد؟ چه عاملی سبب تسریع این عمل گردید؟ (رجوع شود به آیه ۲ و ۷) آیا ما نیز چنین تجربه و یا مشابه آن را در زندگی خود داشته ایم؟ آیا این امر روشن نمی سازد که چرا ما نیز گاهی خودمان را در وضع پریشان و دردناک می یابیم؟ یونس درباره قدرت بی همتای خداوندی و محبت پایدارش چه تصور غلطی داشت که در آیه ۴ کتاب یونس آشکار می شود؟ این امر درباره تمایل یونس و تمام مردم به طور کلی به انداختن تقصیر به گردن دیگران چه چیزی به ما می آموزد؟ آیه ۷ چگونه غلط آیه ۴ را تصحیح می کند؟ بعضی از اختلافاتی که در ایمان ما وجود دارد چیست؟ یعنی اختلافاتی که در گفتار و ایمان ما وجود دارد و اختلافاتی که در بین عقایدی که ابراز می داریم و کارهایی که انجام می دهیم کدام است. یگانه منبع نجات از پریشانی روحانی و نتایج آن چیست؟ (آیه ۶ و ۹) محرکی که برای گذراندن قربانی در آیه ۹ ذکر شده است چیست؟

خلاصه مطالب و بحث بیشتر درباره آن

- ۱- فهرستی که از خصوصیات یونس برای خود تهیه کرده اید صفات جدید او را که در این فصل یافته اید اضافه کنید.
- ۲- چه شواهد دیگری در این فصل می توان جمع آوری کرد که نشان می دهد که خدا بر کارهای بشر حکومت می کند و مقاصدش را عملی می گرداند.

اکنون به آغاز داستان رسیده ایم یا نمی دانیم پرده سوم دقیقاً از کجا شروع می شود برای اینکه نویسنده چیزی درباره آن نمی گوید. در هر صورت یونس از شکم ماهی به خشکی برگشته است. پس از اندک زمانی به نینوا می رسد. در آیه ۳ فصل ۳ درباره یونس در نینوا صحبت می کند. صحنه های آخر خیلی سریع اجرا می شود. معلوم است که وضع یونس خوب شده است. صحنه در فصل سوم شهر بزرگ و پر از شرارت نینواست. نینوا پایتخت قدیم آشور بود. بدون شک نویسنده کتاب درباره جمعیت و مسافت و اوضاع جغرافیایی نینوا اغراق کرده است. این شهر شهرت واقعی خود را از این کتاب بدست آورده است به طوری که اسمش ضرب المثل مؤثری برای روحانیت و توبه گشته است حتی عیسی هم آن را به عنوان مثل مؤثری به کار برد، ولی هنوز هم همه چیز به راحتی و شیرینی جریان نمی یابد و ما این موضوع را به زودی درک خواهیم کرد. وضع یونس نبی قهرمان داستان چگونه است؟ آیا پس از گذشتن از تجربه روحانی و شکنجه جسمی روحیه اش عوض شده است؟ حال پرده را باز می کنیم و در قسمت سوم قهرمان داستان را در روی صحنه تماشا می کنیم.

چند پیشنهاد برای مطالعه

۱- فصل سوم را یک دفعه بخوانید و آن را به خاطر بسپارید. همانطور که به خواندن ادامه می دهید چیزهای تازه ای را که قبلاً متوجه آن نشده بودید پیدا کنید. خود را آماده کنید تا بتوانید آنها را با سایرین در وقت مناسبی در میان بگذارید.

۲- بار دیگر این فصل را قرائت کنید. جواب سؤالات ذیل را در این فصل پیدا کرده و درباره آنها تفکر کنید.

۳- آنچه که یافته اید با سایر اعضای دسته خود در میان گذارید. ممکن است عقاید مختلفی درباره جواب هایی که شما برای سؤالات پیدا کرده اید وجود داشته باشد.

در بعضی مواقع ممکن است جوابی قطعی و نهایی برای سؤال وجود نداشته باشد. اجازه دهید هر کس که مایل است عقیده خود را اظهار داشته و آنچه را که یافته است با دیگران در میان گذارد. جزئیات داستان حذف شده است. ما نمی دانیم چطور یونس به مقصد رسید و چه مدتی طول کشید و یا چه حوادثی در طول راه برایش اتفاق افتاده است. این نکات را باید خود خواننده با تصور و خیال خود مجسم نماید. فقط نوشته شده است که آنگاه یونس برخاسته برحسب فرمان خداوندی به نینوا رفت (آیه ۳). این قسمت نیز ممکن است جزئی از شکرگزاری یونس برای نجاتی باشد که از خداوند یافته بود. نویسنده سرود شکرگزاری از ادای نذرش سخن می گوید (آیه ۲: ۹) شاید یونس هم نذر کرده بود که پس از نجات پیغام خداوند را اطاعت کند. وقتی که کلام خدا برای بار دوم بر وی نازل شد با شتاب به انجام آن اقدام کرد. بزرگی شهر و کثرت ساکنین آن کارش را عقب انداخت.

تعریف وسعت شهر با این کلمات: مسافت سه روز داشت بسیار اغراق آمیز به نظر می رسد. این اغراق برای وانمود ارزش (شهر بسیار بزرگ) می باشد. مقصود نویسنده این بود که وظیفه یونس را خیلی مهم جلوه دهد و بگوید که او به دنیایی فرستاده شده بود که پر جمعیت و پر وسعت بود، ولی یونس این مأموریت را قبول کرد گرچه به طوری که از قسمت های بعدی می فهمیم آن را با بیم و ترس به انجام رساند. وقتی که به نینوا رسید پیغام خدا را برای مردم بیان داشت و گفت که خداوند از شرارت مردم این شهر آگاه است و با صدای بلند اعلام داشت: بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد (آیه ۴)

کتاب یونس فصل سوم

۱- پس کلام خداوند بار دوم بر یونس نازل شده گفت:

۲- برخیز و به نینوا شهر بزرگ برو و آن وعظ را که من به تو خواهم گفت به ایشان ندا کن.

۳- آنگاه یونس برخاسته برحسب فرمان خداوند به نینوا رفت. شهر بسیار بزرگ بود که مسافت سه روز داشت.

۴- یونس به مسافت یک روز داخل شهر شده به ندا کردن شروع نمود و گفت بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد.

۵- و مردمان نینوا به خدا ایمان آوردند و روزه را ندا کرده از بزرگ و کوچک پلاس پوشیدند.

۶- چون پادشاه نینوا از این امر اطلاع یافت از کرسی خود برخاسته ردای خود را از بر کند و پلاس پوشیده بر خاکستر نشست.

۷- پادشاه و اکابرش فرمان دادند تا در نینوا ندا دردادند و امر فرموده گفتند که مردمان و بهایم و گاوان و گوسفندان چیزی نخورند و نچرند و آب ننوشند.

۸- و مردمان و بهایم به پلاس پوشیده شوند و نزد خدا به شدت استغاثه نمایند و هر کس از راه بد خود و از ظمی که در دست اوست بازگشت نماید.

۹- کیست بداند که شاید خدا برگشته پشیمان شود و از حدت خشم خود رجوع نماید تا هلاک نشویم.

۱۰- پس چون خدا اعمال ایشان را دید که از راه زشت خود بازگشت نمودند، آنگاه خدا از بلایی که گفته بود که به ایشان برساند پشیمان گردید و آن را به عمل نیاورد.

- با چه عبارت آشنایی فصل سوم کتاب یونس شروع می شود؟ از این آیه می فهمیم که رابطه یونس با خدا در این موقع چگونه بوده است.

- بخشش خدا به یونس با چه چیزی توأم است؟ این موضوع در مورد بخشیده شدن خودمان چه چیزی به ما می آموزد؟ ما را به چه کاری موظف می سازد؟

- حال عکس العمل یونس را در مقابل فرمان خدا با عکس العمل قبلی اش مقایسه کنید.

- چطور این موضوع را تشریح می کنید؟

- به عقیده شما این امر چطور نشان می دهد که طرز فکر یونس حقیقتاً عوض شده بود؟

- در آیه ۳ با چه زمانی به شهر نینوا اشاره شده است؟

- چطور این موضوع به داستانی که شرح داده شد ارتباط پیدا می کند؟

- پیشگویی حقیقی یونس که در این قسمت نوشته شده چیست؟

- اگر شما از اهالی شهر نینوا بودید و آن هشت کلمه را از دهان یونس می شنیدید چه سؤالی می نمودید؟ (آیه ۴)

- اهالی نینوا وقتی که پیشگویی یونس را شنیدند چه عکس العمل عجیبی از خود نشان دادند؟ چرا این موضوع عجیب است؟

- اولین نشانه توبه آنها چه بود؟

- توبه اهالی شهر نینوا را با توبه یونس که در آن نشانه ای از توبه حقیقی از گناهان و نافرمانیش از خداوند نبود مقایسه کنید.

- فصل دوم را بار دیگر مطالعه کنید.

- آیا می توانید بگویید که انگیزه حقیقی که یونس را واداشت برای نجات خود به خداوند دعا کند چه بود؟

- چگونه نویسنده این داستان کوشش می کند تا توبه کامل همگانی مردم نینوا را نشان دهد؟

- مقصود او از ذکر نام پادشاه چه بود؟

- تصور می کنید به چه علت پادشاه دستور می دهد حتی حیوانات روزه بگیرند و پلاس بپوشند؟

- آیا حیوانات نیز به توبه از گناهان احتیاج دارند؟ یا مقصود این است که تصمیم قطعی پادشاه را نشان دهد؟

شامل کردن حیوانات در این قسمت نوعی حالت توصیفی می باشد که معنی اش فروتن شدن همه است، ولی باید به خاطر داشته باشیم که در عهد عتیق خداوند به حیوانات نیز مانند انسان توجه می نماید.

- طبق دستور پادشاه نشانه حقیقی توبه در بین مردم این شهر چه بوده است؟

- توبه کردن چه معنی دارد؟

در دوران حکومت پارسیان صدور فرمان پادشاه امری عادی بود. سایر فرمان های پادشاهان در کتاب مقدس شبیه همین فرمان است. پادشاه به فروتنی ظاهری راضی نبود. مردم می بایستی با تمام نیرو به سوی خدا استغاثه می کردند

و هر کس از راه بد خود و ظلمی که در دست اوست بازگشت نماید. برای توبه پلاس پوشیدن و روزه گرفتن و در خاک نشستن کافی نیست. توبه حقیقی و صمیمی باید همراه با تغییر زندگی بوده و حقیقت داشته باشد. این واقعه چه درس عبرت آوری برای یونس و دوستان یهودی‌اش بوده است. یونس از مردم نینوا بیشتر از آنچه به آنها آموخت یاد گرفت. چه بسا اتفاق افتاده است که معنی لغت توبه را با سایر لغات و عقاید اشتباه می‌کنیم و معنی آن را عوض کرده کوچک می‌کنیم. مثلاً آن را با لغت پشیمانی مترادف می‌دانیم. مقصود یحیای تعمید دهنده و مسیح چه بود که فرمودند: توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است (متی ۳: ۱-۲، ۴: ۱۷).

- چه نوع ایمانی در پادشاه بت‌پرست نینوا نسبت به خدا وجود داشت که در آخرین سؤالش آشکار می‌شود؟
- چگونه ایمان پادشاه بر ایمان یونس تفوق دارد یا اقلاً از طرز فکر یونس درباره خدا بهتر است؟
- در این قسمت نقش خدا در مورد توبه چگونه بیان شده است؟ آیه ۹ تأکید می‌کند که در حقیقت بخشش و نجات به خاطر ظاهر مراسم مذهبی و یا اجرای تشریفات در مورد فروتنی بدست نمی‌آید، بلکه نتیجه بخشش و محبت و فیض خداوند است.
- چه چیزی توبه نهایی اهالی نینوا را اثبات می‌کند؟ ارزش روزه گرفتن و پلاس پوشیدن و دستور پادشاه در مورد توبه همگانی چه بود؟
- اجرای آنها بدون انجام یافتن آیه ۱۰ چه سودی داشت؟
- از نتیجه این داستان درباره طرز رفتار خدا با انسان چه می‌فهمیم؟
- آیا این نتیجه بعضی از پیشگویی‌های انجام نیافته یا وعده‌های مشروط خداوند را روشن می‌نماید؟

نظریه‌هایشان نسبت به خدا و پاسخ آنها در قبال پیامی که نبی برای آنها داشت و به علت صادقانه‌شان مردمان نینوا بخشیده شدند. خداوند تهدیدش در مورد نابود کردن آنها را عملی نساخت. درس بزرگ دیگر که در اینجا وجود دارد این است که کلام خدا نه تنها بر مردمان نینوا رسید، بلکه آنها به آن ایمان آوردند گرچه در آن عملیات وسیعی برای تعلیم مذهبی وجود نداشت تا آنها را برای پذیرش کلام خدا آماده سازد. خداوند رحمت خود را به مردم توبه کار نینوا عطا فرمود در حالی که از قوم برگزیده خود به خاطر بی‌ایمانی و نافرمانی‌شان نمی‌توانست عطا فرماید. از نظر خداوند همه افراد بشر می‌توانند به وسیله ایمان توجه کنند و نجات یابند. رحمت و فیض خدا محدود نیست و منحصر به قوم اسرائیل یا مسیحیان نمی‌باشد، بلکه برای همه مردم جهان جاری است مخصوصاً برای آنانی که ایمان آوردند و حقیقتاً از گناهان خود روی بگردانند. مواجه شدن با چنین حقیقتی برای قوم مغرور اسرائیل ضربه مهلکی بود چون فقط به خود می‌نگریستند و ابدیت را از آن خود می‌دانستند. این سرزنشی برای یهودیان خودخواه و حتی ما مسیحیان می‌باشد.

خلاصه مطالب و بحث بیشتر درباره آنها

۱- چند نمونه از توبه حقیقی را که در میان آنها می‌بینیم که خود شخصاً به مسیحیت ایمان آوردند دیده می‌شود، ولی غالباً در میان مسیحی‌زادگان دیده نمی‌شود شرح دهید: علت این امر چیست؟ آیا یک مسیحی می‌بایستی با سایرین تفاوت داشته باشد؟

۲- آیا خدا می‌تواند به وسیله افرادی مثل یونس یا اقوامی که کاملاً مطابق میل او رفتار نمی‌کنند و حتی گاهی با او مخالفت می‌نمایند کار کند و نقشه خود را عملی سازد؟ آیا این کار خدا معنی‌اش این است که اگر کسی حاضر به اطاعت خداوند نباشد تقصیری ندارد؟

۳- می‌توانید یونس را با مسیحیان امروزی و اهالی نینوا را با جهان کنونی مقایسه نمایید؟

چهارمین و آخرین پرده نمایش ما هنوز یونس را در نزدیکی نینوا نشان می‌دهد، ولی می‌توان گفت که در مرداب دلسردی بسر می‌برد. ناراحتی او از این جهت نیست که درباره محبت و نیکویی خدا شک دارد، بلکه برای اینکه او از محبت و فیض خداوند اطمینان حاصل کرده است. رسیدن فیض و بخشش خداوندی به قومی منفور و بیگانه و بت پرست او را خیلی ناراحت می‌کرد. داستان موقعی به اوج نهایی خود می‌رسد که یونس در زیر بوته کدو نشسته است. این گیاه برگهای پهنی دارد و یونس می‌توانست در زیر سایه برگهای آن پناه گیرد. نویسنده کتاب یونس را در همین حال می‌گذارد و دیگر از او صحبتی نمی‌کند. ممکن است به علت اینکه داستان خیلی سریع پیش رفته و یا اینکه به عقیده خودمان پایانش رضایت‌بخش نیست مأیوس شویم. در اینجا خیلی از سؤالات بدون جواب می‌ماند. پس از آن بر مردم نینوا چه گذشت؟ آیا آنها به پیشروی در راه تنگ و مستقیم ادامه دادند و یا دوباره به سوی شرارت بازگشت نمودند. مهم‌تر از آن این بود که یونس چه شد؟ آیا او کاملاً عوض شد؟ ما جواب قطعی این سؤالات را هرگز نخواهیم دانست. نویسنده پس از بیان مقصودش دیگر کاری با یونس و نینوا ندارد. سؤال مهمی که نویسنده در پایان این کتاب کوچک از خواننده می‌کند خیلی ساده است: در نتیجه خواندن این کتاب برای شما چه اتفاقاتی رخ خواهد داد؟ به عبارت دیگر این سؤال در ذهن خواننده پیش خواهد آمد که این کتاب به من چه می‌گوید؟

چند پیشنهاد برای مطالعه

در قرائت فصل ۴ روش عادی خود را پیروی نمایید و مطالب تازه را پیدا کنید. تمام فصل را خوانده جواب‌هایی برای سؤالات ذیل بیابید. آنچه به تازگی یافتید با دیگران در میان بگذراید و مفهوم مطالعه آن برای ما و کلیسای ما و زمان ما بیان کنید.

کتاب یونس فصل چهارم

- ۱- اما این یونس را به غایت ناپسند آمد و غیظش افروخته شد.
- ۲- نزد خداوند دعا نموده گفت آه ای خداوند آیا این سخن من نبود وقتی که در ولایت خود بودم و از این سبب به فرار کردن به ترشیش مبادرت نمودم، زیرا می‌دانستم که تو خدای کریم و رحیم و دیر غضب و کثیرالاحسان هستی و از بلا پشیمان می‌شود.
- ۳- پس حال ای خداوند جانم را از من بگیر، زیرا مردن از زنده ماندن برای من بهتر است.
- ۴- خداوند گفت آیا صواب است که خشمگین شوی؟
- ۵- و یونس از شهر بیرون رفته به طرف شرقی شهر نشست و در آنجا سایه بانی برای خود ساخته زیر سایه‌اش نشست تا ببیند به شهر چه واقع خواهد شد.

- عکس‌العمل یونس در مقابل بخشش و شفقت خداوند نسبت به مردم نینوا چه بود؟ از احساسات درونی یونس و نظر وی در این باره چه می‌فهمیم؟ یونس را آنطوری که در فصل چهارم مشاهده می‌کنیم با آن چیزهایی که درباره او در فصل اول یافته‌ایم مقایسه کنید. در اینجا عکس‌العمل یونس را با عکس‌العمل که به تصور ما یک نبی صمیمی خداوند در مقابل آن حوادث نشان می‌داد مقایسه کنید.

- چگونه یونس در اینجا کوشش می‌کند تا با استفاده از این حوادث اعمال گذشته خویش را صحیح جلوه دهد؟ یونس برخلاف میل باطنی‌اش بر اثر عصبانیت و ناراحتی چه نظریه عظیم و باشکوهی درباره خداوند اظهار می‌دارد؟

- آیا این محصول تخیلش بود؟ یا حقیقتی بود که خداوند قبلاً در کلام خود آشکار ساخته بود؟ (خروج ۳۴: ۶-۷)، آیا می‌توانیم دریابیم که در خلال دلایل سطحی یونس که برای نرفتن به نینوا اظهار داشت چه دلیل اصلی وجود داشت؟ چه تناقضی بین قسمت اول آیه ۲ (و نزد خداوند دعا کرده...) و مضمون دعایش وجود دارد؟

- آیا ما گاهی به علت وجود چنین تناقضی در اعمال مذهبی خودمان مقصر می‌شویم؟ چطور؟ با چه درخواست

- چگونه این دعا با دعای قبلی اش در فصل دوم تفاوت دارد؟ درباره اینکه خودپرستی محض و نفرت از سایرین ما را به چه جایی خواهد رسانید چه می گوید؟ خداوند این بار چطور به دعای یونس پاسخ می دهد؟ (آیه ۴).

- عمل یونس در آیه ۵ چگونه انتظارات وی را برای شهر نینوا نشان می دهد؟ آیا هرگز ما چنین خطایی انجام داده ایم که بخواهیم اراده خداوند را به وسیله امیال خود عوض کنیم؟

- به چه طریقی ما سعی می کنیم تا خدا را زیر نفوذ خود قرار دهیم تا مقاصد ما را عملی سازد؟ تجربیات یونس منجر به دعای تلخی شد که در آن خداوند را به خاطر آمرزیدن سرزنش می کند.

آنچه که یونس درباره نینوا پیشگویی کرد عملی نشد، زیرا خداوند (خدای کریم و رحیم و دیر غضب و کثیرالاحسان است) و از بلا پیشیمان می شود. (آیه ۲) این آیه از مهم ترین آیات عهد عتیق می باشد که برای اولین بار به موسی خطاب شد (خروج ۳۴: ۶). یونس با بخشش این موهبت برای اقوامی به غیر از ملت خودش مخالف بود در صورتی که می دانست (کثیرالاحسان) بودن جزئی از ذات اصلی خداوند بود. او مشاهده کرد که خداوند رحمتش را شامل حال مردم توبه کار نینوا ساخته است این موضوع به عوض اینکه نبی را آشفته سازد می بایستی باعث خوشحالی وی می گردید، زیرا عظمت و جلال خدایی را که یونس خادم او بود آشکارتر می ساخت، ولی یونس خدا و بخشش او را منحصر برای خود و قومش می خواست یونس با وجود اینکه با چشمان خود علائم توبه را در مردم نینوا دید، ولی نمی توانست آن را باور کند.

آیا خداوند او را نفرستاده بود که بگوید (بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد؟) بطور یقین این مردم شرور که توبه کرده بودند موقتاً خدا را اغفال کرده اند، ولی خداوند به زودی سخن خود را انجام خواهد داد. با این افکار یونس از شهر خارج شده و به طرف شرق شهر سفر کرد. محلی را یافت که هم می توانست خود را از گرمای خورشید در روز و سرما در شب محافظت کند. در آنجا نشست تا منتظر وقایع بعدی بشود. سی و هفت روز انتظار کشیدن طولانی بود.

۶- و یهوه خداوند کدویی رویانید و آن را بالای سر یونس نمود تا بر سر وی سایه افکنده او را از حزنش آسایش دهد و یونس از کدو بی نهایت شادمان شد.

۷- اما فردای آن روز در وقت طلوع فجر خدا کرمی پیدا کرد که کدو را از رو خشک کرد.

۸- و چون آفتاب برآمد خدا باد شرقی گرم وزانید و آفتاب بر سر یونس تائید به حدی که بی تاب شده برای خود مسألت نمود که بمیرد و گفت مردن از زنده ماندن برای من بهتر است.

۹- خدا به یونس جواب داد آیا صواب است که به جهت کدو غضبناک شوی؟ او گفت صواب است که تا به مرگ غضبناک شوم.

۱۰- خداوند گفت دل تو برای کدو بسوخت که برای آن زحمت نکشیدی و آن را نمودادی که در یک شب به وجود آمد و در یک شب ضایع گردید.

۱۱- آیا دل من به جهت نینوا شهر بزرگ نسوزد که در آن بیشتر از صد و بیست هزار کس می باشد که در راست و چپ تشخیص نمی توانند داد و نیز بهایم بسیار.

- چطور خداوند علی رغم عملی که یونس انجام داده بود از وی توجه کرد؟ آیا خداوند صرفاً از بدن یونس توجه می کرد یا این کلمات معنی عمیق تری دارد؟ این را چگونه می دانید؟ منظور نهایی خداوند چه بود؟ یونس به خاطر

اینکه خداوند او را از دریا نجات داده برایش آذوقه تهیه کرده بود خوشحال و سپاسگزار بود. همچنین از اینکه رحمت خداوند دوباره شامل حال او شده مسرور بود. این قدردانی می‌بایستی افکار او را درباره مردم نینوا که توبه و تغییر زندگی و ایمانشان حاکی از قدردانی بود بیدار سازد. آنها چقدر خوشحال بودند. خداوند آنها را بخشیده و رحمت خود را ظاهر فرموده بود. وقتی که جسم یونس غیرقابل تحمل شد کدام آرزوی سابقش را دوباره تکرار نمود؟ کدام نبی دیگر در عهد عتیق چنین عبارت مایوس‌کننده‌ای بیان داشت؟ (به اول پادشاهان ۱۹: ۱-۴ رجوع شود).

چه تفاوتی بین این دو نفر و دلایل خواسته‌هایشان وجود دارد؟ خداوند چگونه به درخواست دوم یونس پاسخ گفت؟ با وجود سخنان خداوند به یونس در آیه ۱۰ آیا یونس دلش برای گیاه می‌سوخت یا برای خودش؟ به چه دلیل تصور می‌کنید؟ داستان با چه پرسش ادیبانه‌ای از خداوند به پایان می‌رسد؟ به نظر شما چرا خداوند مخصوصاً کودکان (که در آن بیشتر از صد و بیست هزار کس می‌باشند که در میان راست و چپ تشخیص نتوانند داد) و حیوانات را نیز ذکر می‌کند؟

– علاقه نبی به توبه کدو با علاقه او نسبت به شهر پرجمعیت نینوا قابل مقایسه نبود. او برای توبه کدو کاری انجام نداده بود، ولی خداوند برای شهر نینوا نقشه‌ای داشت. خداوند خالق نینوا بود و با مردم آن چون خالق با مخلوق رابطه داشت. در آنجا (بیشتر از صد و بیست هزار کس می‌باشند که در میان راست و چپ تشخیص نتوانند داد و نیز بهایم بسیار). این رقم فقط به تعداد کودکان اشاره می‌کند و شامل بزرگسالان نمی‌باشد. بزرگسالان نینوا را در حدود ۱۷۴۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند، ولی تعداد صحیح جمعیت این شهر در اینجا مهم نیست. آنچه بیشتر اهمیت داشت رحمت خداوند بود که به مردم توبه کار نینوا که اهالی آن مثل قوم اسرائیل فرزندان خدا بودند رسید در حالی که آنها مانند قوم یهود دارای مزایای مذهبی نبودند. به این طریق یونس با این تجربه شخصی به ذات خدا آشنا شد. نویسنده، داستان را با ایمان به اینکه فیض و برکت خدا شامل حال همه مردم جهان است خاتمه می‌دهد. کتاب یونس کتاب فیض جهانی خداست و به همین دلیل اولین اثر بشارتی کتاب مقدس می‌باشد.

خلاصه مطالب و بحث بیشتر درباره آنها

۱- به فهرستی که از خصوصیات یونس تهیه کرده‌اید صفاتی را که از او در این فصل یافته‌اید اضافه کنید. زیر خصوصياتی که در این فصل دوباره به آنها برخورد می‌کنید و قبلاً آنها را در لیست ذکر کرده بودید خطی بکشید. آیا به عنوان یک شخص هیچ تغییری در یونس مشاهده می‌کنید؟

۲- چگونه یونس نمونه خوبی از قوم اسرائیل و کلیسای ما در گذشته و حال می‌باشد؟ چگونه کلیسا از انجام مأموریت خود در جهان غفلت نموده است؟ چطور امروز هم از اجرای این وظیفه غفلت می‌ورزد؟ تا جایی که می‌توانید عللی را که سبب این غفلت شده‌اند به صورت فهرست در آورید.

۳- چگونه از رسانیدن محبت خدا به اقلیت‌هایی که در بین ما زندگی می‌کنند و یا در گروه‌های خارجی که در بین ما هستند غفلت ورزیده‌ایم؟ آیا ما مسیحیان هرگز مرتکب این گناه شده‌ایم که فراموش کنیم که ما نیز انسان و جزئی از اجتماعی هستیم که افراد آن در اطراف ما قرار دارند؟ چگونه این نقش را انجام داده‌ایم؟